گفت‌وگو

نگاهی به کتاب «سهم من از عاشقی»
در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده اثر

پدر هیئتی باید پسر رزمنده داشته باشد!

■ علیرضا محمدی

جانباز ۷۰ درصد رمضانعلی کاوسی از رزمندگان و نویسندگان دفاع‌مقدس است که هر از گاهی خاطراتی را در خصوص جبهه‌ها یا رزمندگان و آزادگان برای‌مان ارسال می‌کند. او که نویسنده چند عنوان کتاب است، «سهم من از عاشقی» را پیرامون خاطرات خودش به عنوان یک جانباز منتشر کرده است. به مناسبت انتشار صوتی این کتاب، در گفت‌وگو با کاوسی از او خواستیم تا معرفی کتاب سهم من از عاشقی را خود برعهده بگیرد و برای‌مان روایت کند.

■ **نوجوانی که قصد رفتن داشت**

به عنوان نویسنده کتاب سهم من از عاشقی، این کتاب را که روایتی از زندگی و خاطرات بنده به عنوان یک جانباز دفاع مقدس است با خاطره روزی آغاز کرده‌ام که نوجوانی بیش نبودم و عزم رفتن به جبهه کرده بودم. وقتی به سراغ مادر و پدرم رفتم تا از آنها برای رفتن به جبهه رضایتنامه بگیرم، قبول نکردند. دل‌شان رضا نمی‌داد بچه‌ای را که در سختی و فقر بزرگ کرده بودند به جبهه بفرستند تا فردا روزی تن زخمی یا بی‌جانش را برای‌شان بیاورند.

راستش من این نگرانی آنها را درک می‌کردم، اما چون مصر به رفتن بودم، تمام تلاشم را کردم تا با مهربانی آن دو را به رفتنم راضی کنم. به مادرم گفتم

که اگر بروم و شهید بشوم، او به عنوان مادر شهید در دنیا و آخرت ارج و قرب پیدا می‌کند... از این جور حرف‌ها زدم تا توانستم دل او را نرم کنم، اما در مورد پدرم پذیرش این تصمیم سخت‌تر از اینها حرف‌ها بود. خیلی با او کلنجار رفتم. عاقبت پدرم را هم با مهربانی و یادآوری اینکه مردی مثل او که هیئتی و مذهبی است، باید پسری مبارز داشته باشد به رفتنم راضی کردم.

حالا تنها کاری که باقی مانده بود، دل کندن از در و دیوار خانه قدیمی‌مان بود که از کودکی تا به همان لحظه شاهد غم و شادی‌های من و خانواده‌ام بود. اگر می‌رفتم و شهید می‌شدم، یا اتفاق دیگری می‌افتاد، دیگر هرگز شانس اینکه دوباره در آن خانه حضور داشته باشم را پیدا نمی‌کردم... این خاطرات هنوز بعد از سال‌ها در ذهنم مثل روز اول تر و تازه است و کتاب را هم با همین خاطرات شروع کردم.

> **اگر از من به عنوان نویسنده بپرسند چرا باید سهم من از عاشقی را بخوانیم، می‌گویم این کتاب یک سفر عاطفی و انسانی است که شما را در جریان زندگی یک جوان ایرانی قرار می‌دهد که در دوره‌های حساس تاریخ ایران در کنار خانواده و در برابر مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می‌کند**

■ **سفر عاطفی و انسانی**

اگر از من بپرسند چرا باید کتاب سهم من از عاشقی را بخوانیم، در جواب می‌گویم: این کتاب یک سفر عاطفی و انسانی است که شما را در جریان زندگی یک جوان ایرانی قرار می‌دهد که در دوره‌های حساس تاریخ ایران، در کنار خانواده و در برابر مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می‌کند. از انقلاب اسلامی گرفته تا دوران جنگ تحمیلی از رنج‌ها و مصیبت‌های روزهای تلخ جنگ تا امیدهایی که به روح انسان می‌بخشد، همه در این کتاب وجود دارد. مطالعه این کتاب می‌تواند خواننده را به اعماق روح و عواطف انسانی ببرد و چگونگی ارتباط انسان با سرنوشت و حقیقت را به نمایش می‌گذارد. علاوه بر اینکه داستان زندگی یک جانباز جنگ است، درون‌مایه‌های عمیقی درباره وطن‌پرستی، فداکاری و از خودگذشتگی دارد که آن را برای هر نسل و هر فردی مناسب می‌سازد. این کتاب را به علاقه‌مندان به خاطرات جبهه و جانبازان پیشنهاد می‌کنیم. همچنین اگر علاقه‌مند به داستان‌های تاریخی با محوریت جنگ تحمیلی و تأثیرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی مردم ایران هستید، این کتاب برای شما جذاب خواهد بود. کسانی که به خواندن خاطرات و زندگینامه‌های افراد مقاوم و فداکار علاقه‌مندند، از این کتاب بهره‌مند خواهند شد. همچنین افرادی که به آثار دارای محتوای عاطفی و انسانی علاقه دارند، می‌توانند از شنیدن این اثر لذت ببرند.

■ **بخشی از کتاب سهم من از عاشقی**

شب عملیات باران گرفت. دوباره سیل راه افتاد. آنچه من روز بعد شنیدم این بود که تیپ امام حسین(ع) به سمت چم‌هندی حمله کرده، اما چون رودخانه دویرج طغیان کرده، آب شماری از بچه‌ها را با خودش برده. با وجود شرایط سخت آنها از آب گذشته و مناطق زیادی را آزاد کرده بودند، اما به سبب باران شدید و تلفات زیاد نتوانسته بودند تپه‌های ۴۰۰ را تصرف کنند. نمی‌دانم چرا نام ۴۰۰ را روی این ارتفاعات گذاشته بودند. من فقط وقتی فرماندهان با هم حرف می‌زدند، اسم تپه‌های ۴۰۰، ۱۷۵ و... را می‌شنیدم. هرچه بود این تپه‌ها به جاده دهلران- عین‌خوش مشرف بود. مأموریت تیپ ما این بود که این تپه‌ها را تصرف کنیم تا جاده دهلران -عین‌خوش از تیررس دشمن خارج شود...

نقد و نظری بر کتاب پر مخاطب «پاییز آمد» خاطراتی از سردار شهید احمد یوسفی به روایت همسرش

رشته‌های ناگسستنی یک عشق پاک و لطیف

■ **آشنایی با نویسنده**

گلستان جعفریان نویسنده کتاب پاییز آمد در سال ۱۳۵۲ در مشهد متولد شد، ولی به شهر کرج مهاجرت کرد. تحصیلاتش را تا مقطع کارشناسی الهیات (گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی) ادامه داده است. او کار تألیف را با کتاب «چنده لا تا جنگ است» آغاز کرد و او به مدت دو سال معاون پژوهش دانشگاه علوم انتظامی بوده و با روزنامه‌های قدس و خراسان، دو هفته‌نامه کمان (دفتر ادبیات و هنر)، مؤسسه روایت فتح (بخش تحقیق)، بسیج جامعه پزشکی و ماهنامه سوره همکاری داشته است. وی در مسابقات استانی و دانشجویی صاحب جوایزی شده و در جشنواره مطبوعات سال ۸۳ در بخش ویژه به دلیل صفحه هنرمندان شهید در مجله سوره مقام اول را کسب کرد. از جمله آثار او می‌توان به داستان بلند زندگی امیر سرلشکر شهید «حسن آبشناسان»، «چهار فصل کوچ»، «چه زود بزرگ شدیم» (خاطرات شهر جنگی)، «شیر صحرا» و «تیک تاک زندگی» اشاره کرد. کتاب پاییز آمد به قلم جعفریان تقریظ رهبر انقلاب را نیز دریافت کرده است.

در تقریظ رهبری آمده است: «عشقی آتشین، عزمی پولادین و ایمانی راستین چهره نگار زندگی این دو جوان است که با نگارشی زیبا و رسا در این کتاب تصویر شده است. این نیز از همان روایات صادقانه است که شنیدن و خواندن آن امثال این حقیر را خجالت زده می‌کند و فاصله نجومی‌شان را با این مجاهدان واقعی آشکار می‌سازد.»

■ **روایتی لطیف و عاشقانه از یک شهید**

پاییز آمد در یک تعریف روایتی لطیف، عاشقانه و هنرمندانه از زیست مجاهدانه فخرالسادات موسوی با سردار شهید احمد یوسفی است که از زبان خانم موسوی روایت می‌شود. ماجراهای شش سال زندگی مشترک این زوج به روایت اول شخص در ۱۳ فصل ترسیم‌گر خط مشی‌های مادی و معنوی زندگی این دو و در سایه گره‌افکنی‌های منطقی و اوج و فرودها، داستانی جذاب و رئال از زندگی این دو شخصیت می‌آفریند، روایت در قالب اول شخص به درستی و معقولانه و فراتر از سطح آثار همسو، احساسات عاشقانه و زنانه این بانو را در کشاکش این زیست کوتاه، اما پرماجرا روایت و مخاطب را با عمق زندگی، سردی‌ها، گرمی‌ها، نداشتن‌ها و داشتن‌ها درگیر می‌کند.

نویسنده در این‌باره معتقد است: «شهدا را همیشه کلیشه‌ای معرفی کرده‌اند و هر وقت حرف از خاطرات زندگی آنها می‌شود، توقع می‌رود یک موجود خیالی، دست نیافتنی و از آسمان آمده معرفی شود که انگار هیچ وقت زندگی عادی و روزمره نداشته است، برای همین تصور جامعه از شهید، یک شخص معصوم و عاری از هر گناه و اشتباه است، درحالی که چنین نیست و شهدا هم مثل سایر آدم‌های شهر زندگی عادی داشته و در روزمرگی کاملاً معمولی به سر می‌بردند، شاید خیلی‌های‌شان حتی اهل نماز شب یا مستحبات نبودند و در همین کوچه وبازار زندگی می‌کردند، آرزوهایی داشتند و اشخاصی بریده از دنیا و مادیات نبوده‌اند.»

■ **اتفاق متفاوت یک کتاب دفاع‌مقدسی**

در کتاب «پاییز آمد» به زندگی خصوصی خانم موسوی و شهید یوسفی، آشنایی و عشق سالم و آتشین آنها پرداخته می‌شود، اتفاقی متفاوت که در کتاب‌های مشابه کمتر رخ می‌دهد.

درک بخشی از حوادث جهان این روایت نیازمند تجربه زیستی در چنین خانواده‌های دارد که شرایط این چنینی را حس کرده باشند و یا با ماجراهای زندگی خانواده‌ای رزمندگان و ایثارگران در تماس و تلاقی بوده و مرارت‌ها و مشقات و مضایق این خانواده‌ها را درک کرده باشند تا با ماجراها همذات‌پنداری کنند.

اصولاً زندگی نوشت شهدا و خاطره‌نگاری از همسران شهدا به دلیل وجود روحیه لطیف زنانه نیازمند زاویه دیدی زنانه و ادبیاتی صمیمانه است تا روح ماجرا در کالبد اثر دمیده شود. از سوی دیگر تأکید و محوریت دادن به حوادث پرفراز و نشیب، گره‌ها و داستانک‌های درون متنی می‌تواند گره‌افکنی در ماجراها و روایت‌ها را پررنگ‌تر و برکشش درونی اثر بیفزاید و همین تکنیک‌ها موجب نزدیکی روایت به داستان شده است.

■ **شخصیت‌پردازی محسوس و ملموس**

پاییز متکی بر ساختار منسجمی از روایت‌ها و خرده روایت‌های زندگی شخصی، اداری، اجتماعی، فرهنگی و مبارزاتی فخرالسادات تا فصل سوم و از نیمه سوم شخصیت‌محوری احمد و زندگی مشترک‌شان است؛ ضمن آنکه شخصیت‌ها در این روایت تیپ نیستند و محسوسند و به مابه‌ازای واقعی خود در جامعه نزدیک هستند؛ شخصیت‌ها در اجتماع یافته و دیده می‌شوند.

تار و پود روایت فخرالسادات موسوی از زندگی احمد با وجود گذشت بیش از ۳۵ سال از این زیست مشترک و نشستن غبار زمان و نسیان‌ها، اما همچنان عاشقانه باقی مانده و زلال احساسات ناب زنانه بر تار و پود ماجراها جاری و ساری است. بنابراین روایت زندگی احمد هم همچنان با گذشت سال‌ها از عروجش ساده و صمیمی و پذیرفتنی و در عین حال مجاهدانه و همچون مراحل سیر و سلوک در اوج پایان می‌یابد.

با وجود گذشت سنگین و سخت سال‌های عمر و عبور زمان و آوارشدن سیل حوادث در کشاکش دهر موجب نشده تا رشته‌های این عشق مجازی و حقیقی از هم گسسته شود. بخش اعظم موفقیت نویسنده در روایت ناب زندگی این زوج مرهون روحیه راوی است که نفس گرم خود را در زوایای متن جاری کرده است و با گذشت ۳۵ سال از این عروج عاشقانه همچنان در طول ۳۰ ساعت مصاحبه سراسر گریسته است.

■ **روایت داستانی با تکنیک‌های پرکشش**

معمولاً برای استواری و استحکام شخصیت‌ها مردان پولادین قوی تن را مثال می‌زنند، اما در جهان معاصر جبهه مقاومت علاوه بر مردان پولادین، بانوان شکیبا و سترگی هستند که تنه به تنه مردان پولادین می‌زنند و پهلوانانه و مردانه به پای ایمان و عشق خویش استوار و پا برجا می‌ایستند.

این کتاب توانسته به روایت داستانی نزدیک شود و با بهره‌گیری از تکنیک‌های داستانی و ایجاد تضاد و برخورد و اتفاقات جاری را پرکشش و خواننده را تا انتها همراه خود نگه دارد. تقابل از بدو ورود احمد برای خواستگاری با مخالفت پدر و مادر آغاز و تا انتها این مخالف‌خوانی‌ها ادامه می‌یابد. تقابل احمد و فخرالسادات در پادگان، فخرالسادات با پدر و مادر و تقابل برادر با پدر و مادر و... همه به کشش درونی اثر پیوند خورده است.

■ **وصلت دو جوان از دو خانواده متفاوت**

پدر فخرالسادات ارتشی و مادرش بانویی خانه‌دار است، اما دارای روحیات اشرافی گونه سنتی، اما مؤمنه و معتقد و نسبت به سرنوشت دختر حساس و همواره نگران است و با ازدواج احمد و فخری مخالف، اما سیدعلا برادرش موافق است.

به ظاهر مادر روحیاتی متفاوت از دختر دارد، لباس‌های شیک و مجلل می‌پوشد و دست پر از النگو دارد، اما فخرالسادات خانواده به این روحیه بی‌اعتناست، آموزش نظامی می‌بیند و در بسیج و سپاه کارهای سخت را بر عهده می‌گیرد و اهل خطر و ریسک است در فضای بسته ضامن نارنجک را می‌کشد، در حال بارداری به کارهای سنگین می‌پردازد و سرما و گرما را به جان می‌خرد، در حالی که مادر دلسوزانه تذکر می‌دهد در خرید عروسی دختر بی‌باکانه به مادر بابت خرید سرویس طلا جواب سربالا و نه می‌دهد و اوج تقابل دراماتیک شکل می‌گیرد، اما برداشت خواننده که محو و غرق اثر است تنها یک نه معمولی رایج میان مادر و فرزند است.

یکی از مزیت‌های روایت عاشقانه و صمیمانه در داستان این است که خواننده عاشق دیدن کاراکترهای روایت می‌شود و این نشانه موفقیت نویسنده در خلق شخصیت جذاب و مخاطب‌پسند است به نظرم همه خوانندگان دوست دارند سیدعلا برادر فخرالسادات را از نزدیک ببینند.

■ **کاربرد دیالوگ‌ها برای شناخت شخصیت‌ها**

نویسنده در دیالوگ‌نویسی هم به خوبی از عهده دیالوگ‌ها و چینش واژگان برای تبیین و تخلیه ذهنیات و درونیات کاراکترها برآمده و تلاش مضاعفی در پرهیز از شکسته نویسی داشته، مگر در ضروریات و این موجب فاخرتر شدن نثر اثر شده است، هرچند در برخی جاها دیالوگ‌ها کتابی، رسمی و تصنعی هم شده است. البته این نکته به معنای مذموم بودن گفتاری‌نویسی نیست که امری رایج و مقبول در ادبیات داستانی است، اما توانمندی قلم نویسنده توانسته از این آزمون هم موفق بیرون آید. البته پنج مورد ایراد ویرایشی هم قابل ذکر است. در صفحه ۱۰ نیروی هوایی درست است نه نیروهوایی، در صفحه ۱۶ به نظر می‌آید مدرسه ابن یمین درست باشد نه ابن‌یمیل، در صفحه ۷۳ کتاب مجعد خرمایی درست است نه معجد خرمایی همچنین در صفحه ۷۴ ساعت دو بعد از ظهر درست است نه دو ظهر، در صفحه ۷۸ هم انتهای پاراگراف دوم ندیده بودم‌تان درست است نه ندیده بودم‌شان، در بقیه متن هم من دقت کافی صورت ندادم شاید در آنها نیز ایرادهایی وجود داشته باشد. نهایتاً باید گفت که نثر اثر ساده و رساست و در عین حال تمیز از آب درآمده و به خوبی در خدمت روایت قرار گرفته است. نقش‌آفرینی پررنگ شعر کوچه فریدون مشیری و پاییز آمد و اشعار دیگر بر غنا و تغزل اثر افزوده است.

> **پاییز آمد در یک تعریف روایتی لطیف، عاشقانه و هنرمندانه از زیست مجاهدانه فخرالسادات موسوی با سردار شهید احمد یوسفی است که از زبان خانم موسوی روایت می‌شود. ماجراهای شش سال زندگی مشترک این زوج به روایت اول شخص در ۱۳ فصل، ترسیم‌گر خط مشی‌های مادی و معنوی زندگی این دو و در سایه گره‌افکنی‌های منطقی و اوج و فرودها، داستانی جذاب و رئال از زندگی این دو شخصیت می‌آفریند**

■ علی شیرین

«۳۵ سال می‌گذرد، اما هنوز پاییز که می‌آید نمی‌دانم از آتش مهری که بر جانم انداخته غمگین باشم یا مسرور. به برگ‌های زیبا و رنگارنگ می‌نگرم، با من سخن می‌گویند: زیبایی مرگ ما از زیبایی زندگی ماست... آری... پاییز برای من بغضی تمام نشدنی دارد. تب و لرزی است که حس آشنایش گرمابخش وجود من است... او به من آموخت هر آمدنی رفتنی دارد، اما زیبا رفتن کار پاییز است.» متنی که خواندین بخشی از کتاب «پاییز آمد» مستندی داستانی درباره سردار شهید احمد یوسفی به روایتگری فخرالسادات موسوی، همسر اوست که به قلم گلستان جعفریان در سال ۱۴۰۰ در سوره مهر به زیور طبع آراسته شده و تاکنون بیش از ۸۰ بار تجدید چاپ شده است. کاری به نظر برخی از خود کارشناس پنداران ندارم که این تجدید چاپ‌ها را غیرواقعی و یا ساختگی می‌پندارند، اما با نگاهی منصفانه اگر قضاوت کنیم، کتابی که برخلاف سایر آثار این چنینی و هم موضوع مورد استقبال واقع می‌شود، قطعاً و حتماً باید چیزی در چنته داشته باشد؛ نقدی بر این کتاب را پیش‌رو دارید.

> **در تقریظ رهبری به این کتاب آمده است: عشقی آتشین، عزمی پولادین و ایمانی راستین چهره‌نگار زندگی این دو جوان است که با نگارشی زیبا و رسا در این کتاب تصویر شده است. این نیز از همان روایات صادقانه است که شنیدن و خواندن آن امثال این حقیر را خجالت زده می‌کند و فاصله نجومی‌شان با این مجاهدان واقعی را آشکار می‌سازد**

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۲۹۵

از راست به چپ

■۱- هم واحد پول و هم بلندترین کوه تاجیکستان- حرکت در تاریکی ■۲- یار تام داستان مارک تواین- از اجداد پیامبر- نظریه ■۳- عشوه‌گری- ستون دین- فریاد بلند ■۴- شهری شیعه‌نشین در سوریه- تمدن‌باستانی- غدر؛ خیانت- خبر قرآنی ■۵- سوره بیستم قرآن کریم- دروازهبان سابق تیم ملی ایتالیا و یوونتوس- نورانی ■۶- بنیانگذار سلسله اشکانی- آهنگر- موجود نامرئی ■۷- نام السنوار، شهید راه قدس- چشم‌پوشی اختیاری طلبکار از طلب خود- سوسن کوهی ■۸- غبار- نظرات- سرشب- آدم جدی و خشک مزاج ■۹- فرمانده- عالیترین کرامت انسانی- ساقه برنج ■۱۰- مایه حیات- نویسنده ایتالیایی کتاب کمدی الهی- شغال ■۱۱- بها و ارزش- از مرکبات پرهسته- مقدار معینی از دارو ■۱۲- سبزی نقلی- امر به یافتن- سریع خودمانی- خونابه ■۱۳- شکارچی- دوزخ- ضد هوایی! ■۱۴- نمک‌ها- از نوشت‌افزار- نیرو و طاقت ■۱۵- دیدار خویشاوندان- برچیدن

از بالا به پایین

■۱- نام قدیم استانبول- مختص و ویژه ■۲- میوه مناطق گرمسیر- روچراغی- از وسایل آرایشی بانوان ■۳- بسیار روان- خبر و پیغام- سند رسمی ■۴- پول خارجی- خداحافظی بیگانه- دستی- درخت قالیبافان ■۵- سرگرد قدیمی- خط و زبان اشکانیان- تکرار حرفی ■۶- همراه ناله- حیوان مردارخوار- زاده دام ■۷- شتر مرغ امریکایی- نان فرانسوی- ناب و ساده ■۸- سنگی قیمتی- لوس- حافظه- چین و شکن ■۹- واحد اندازه‌گیری سرعت صوت- حاشیه سفید کتاب- ضد نفاق ■۱۰- نویسنده فرانسوی کتاب نانا- نام مادر ابوعلی سینا- خسیس ■۱۱- پوستین وارونه- از عتبات عالیات- تاکنون ■۱۲- شک- نهی شاعرانه از آمدن- دیگ سفالین- از انجیل‌ها ■۱۳- مانع‌ها- گردنده- پایتخت کره جنوبی ■۱۴- خرگوش- همراه جادو- از پرندگان حلال گوشت ■۱۵- رباط- محصول کشاورزی سرشار از نشاسته

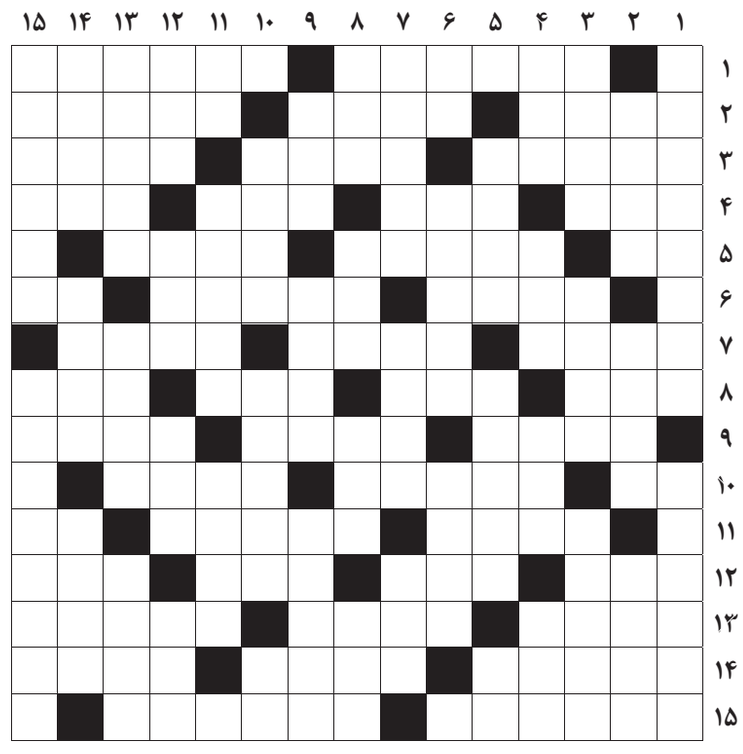

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۱		۲				۶		
						۴	۵	۳
۴			۶		۳			
						۱	۷	
			۴	۷	۶			
۳	۹					۲		
	۶		۳					
			۵		۹			۷
	۱						۹	۲

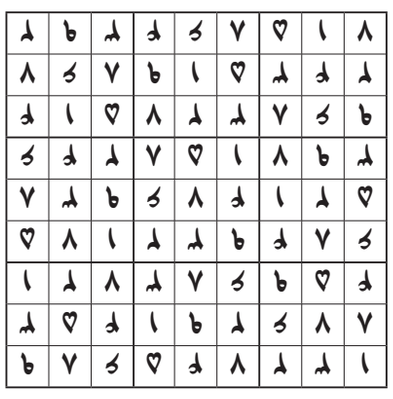

جدول کلمات متقاطع
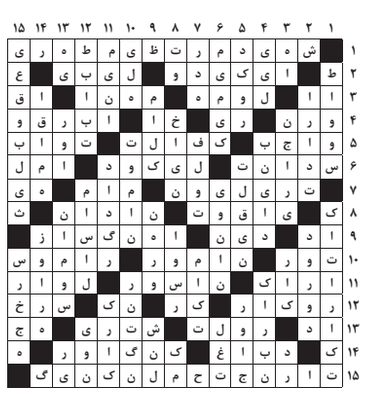
پاسخ جدول شماره ۷۲۹۴